تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ فقر روستایی

مطالعه‌ای در باب روستاهای استان اردبیل

محسن نیازی،* طاها عشایری،** موسی سعادتی،*** حسن منتظری‌خوش، **** فاطمه عمرانی نژاد *****

چکیده

فقر، درحالت کلی، بر دو نوع نسبی و مطلق است. فقر از بعد اقتصادی به فقدان توان مالی و پولی، از بعد اجتماعی به نبود آگاهی اجتماعی و طردشدگی، از بعد سیاسی به نبود مشارکت سیاسی و قانون‌گریزی و از بعد روان‌شناختی به انزوا، بدگمانی و سوءظن اطلاق می‌شود. فرهنگ فقر به فرهنگی‌شدن فقر در بین فقرا می‌گویند که خصیصهٔ اصلی آن، تداوم نسلی فقر، فقدان انگیزهٔ قوی برای شکستن دور باطل فقر، بی‌اعتمادی اجتماعی، بی‌میلی به مشارکت مدنی، تقدیرگرایی و پذیرش شکست اقتصادی-اجتماعی است. براین‌اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ فقر در باب روستاییای استان اردبیل است.

روش این پژوهش از نوع پیمایشِ کمی- پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر پرسش‌نامه با پاسخ بستهٔ لیکرتی بوده است. حجم نمونه به‌وسیله کوکران ۲۶۷ نفر برآورد شده و ازطریق نمونه‌گیری طبقه‌ای نظام‌مند، پرسش‌نامه در بین آنها توزیع شده‌است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیرهای مشارکت اجتماعی (۰/۳۴۵-)، وابستگی به دیگران (۰/۲۱۲)، سرمایهٔ اجتماعی (۰/۳۵۳-)، منزلت اجتماعی (۰/۳۸۷-)، خشونت اجتماعی (۰/۲۱۸-)، انزوای اجتماعی (۰/۱۳۴) و پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی (۰/۳۱۹-) رابطهٔ معنی‌داری با فقر دارند و متغیر بیکاری و اقتدارطلبی فاقد رابطهٔ معنی‌دار با فرهنگ فقراند. در نتایج رگرسیون چندگانه، ضریب تعیین (۰/۴۹۱)، ضریب تعیین تعدیل‌شده (۰/۴۷۸) و ضریب همبستگی چندگانه (۰/۳۴۵) به‌دست آمده‌است و متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۴۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: فقر، طرد اجتماعی، انزوای اجتماعی، منزلت اجتماعی.

*استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان niazi.mohsen@yahoo.com

**دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان (نویسندهٔ مسئول) t.ashayeri@gmail.com

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان saadati.2245@yahoo.com

****دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان hassanmontazery@gmail.com

***** کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات fm.omrani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۲۴

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۶۷- ۱۸۸

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

مقدمه

فقر ازنظر لغت‌شناسان در معنای تنگ‌دستی، پریشانی، شکستن، کندن دهانهٔ قنات و گودالی به‌کار می‌رود که در آن نهال خرما می‌کارند (اخترشهر، ۱۳۸۵: ۹۱). فقر، درحالت کلی به کمبود یا فقدان یا وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد در آن با فقدان مقداری از منابع مالی یا پولی مواجه است (ماریان وبستر، ۲۰۱۳: ۳۱۳) و مفهومی است که از چندین عامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد. فقر مفهومی پویا و سیال و درحال تغییر است و تابعی از الگوی مصرف، پویایی اجتماعی و تغییرات فناوری محسوب می‌شود (سبتز، ۲۰۰۸: ۵). فقر مسئله‌ای تابع زمان و اوضاع اجتماعی است (بانک‌جهانی، ۲۰۱۱: ۴۱). فقر مطلق یا بی‌چیزی (ناداری)، به محرومیت از نیازهای اساسی ـازجمله غذا، آب، بهداشت، لباس، پناهگاه و مراقبت‌های بهداشتیـ اشاره دارد. فقر نسبی نیز به نابرابری اقتصادی در یک مکان یا جامعه‌ای اطلاق می‌شود که گروهی در آن زندگی می‌کنند. فرهنگ فقر طردشدن، فقدان مشارکت و فقدان آگاهی اجتماعی را دربرمی‌گیرد (انستیتو، ۲۰۰۹: ۵۶).

مطالعات نشان می‌دهد فقر اقتصادی باعث به خشن‌شدن افراد می‌شود. در این‌حالت، ناتوانی اعضای خانواده در تأمین نیازهای روزمره، باعث ترک تحصیل دانش‌آموزان و کشیده‌شدن آنها به‌سوی تأمین مخارج خانواده می‌شود و آنها را در وضعیت استثمارشده از طریق کارهای اجباری قرار می‌دهد. در پژوهشی نشان داده شد که ۶۷ درصد از افراد، به‌خاطر فقر، هدف خشونت جدی قرارگرفته‌اند و ۳۷ درصد به قتل رسیده‌اند.[1]عوامل فرهنگی، نظیر انواع گوناگون تبعیض، بر روحیات افراد فقر تأثیر منفی می‌گذارد و باعث شکل‌گیری عقاید قالبی خاصی دربارهٔ رفتار و طرز نگرش فقرا می‌شود (گزارشی دربارهٔ سرانجام فقر در جامعه،[2]۲۰۱۰: ۱۱). وبر و نظریه‌پردازان نوسازی معتقدند که ارزش‌های فرهنگی می‌تواند بر موفقیت اقتصادی و برون‌رفت فقر از وضعیت موجود اثرگذار باشد. برخی متفکران فقر را وضعیتی اختیاری تعریف می‌کنند که در آن، فرد خود خواهان داشتن برخی رفتارها، آرزوها، روحیات و اخلاقی خاص است. فقر در مذهب‌هایی مانند بودایی و مذهب هندی عنصری ضروری تعریف می‌شود؛ یعنی افراد خود را از لذت‌های دنیای مادی کنار می‌کشند و ریاضت پیشه می‌کنند و داشتن ثروت و درگیری در فعالیت‌های اقتصادی را مذموم می‌شمارند (گزارش مؤسسهٔ جهانی صلح،[3]۲۰۰۹: ۶۷). از دیدگاه کارکردگرایان، فقر در باورهای اجتماعی و فرهنگی جامعه ریشه دارد. به هر حال، فقر پایدار با فقدان دانش و آگاهی اجتماعی، بهداشت ضعیف، شیوع بی‌اعتنایی اجتماعی، تضعیف صداقت و

[1] http.www .voanews.com
[2] Report on the World Social Situation
[3] World Peace Day Address

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

صمیمیت، و ازبین‌رفتن اعتماد اجتماعی و وابستگی به یاری دیگران ارتباط معنی‌داری دارد. این مجموعه نوعی تلهٔ فقر ایجاد می‌کند. فقیر دنیایی غیر از آن برای خود تصور نمی‌کند و در آن گرفتار است. این فرهنگ برای او به نوعی هنجار اجتماعی تبدیل می‌گردد.

از دیدگاه اندیشمندان، فرهنگ فقر از منابع مختلفی نشئت می‌گیرد. ازجمله وابستگی به دیگران، ضعف سرمایهٔ اقتصادی، فقدان ارتباط اجتماعی قوی، بدبینی به دیگران، و بی‌عدالتی اجتماعی. فقر تاریخی خانواده یا ارثی‌بودن آن، امید اجتماعی فرد فقیر را در برابر تغییر، دچار فرسایش می‌کند. فقدان تحصیلات، محدودیت حضور در جامعه و کاهش فعالیت مدنی می‌تواند فرهنگ فقر را تقویت کند. در اصل، فرهنگ فقر شکلی از انزوای اجتماعی و فقدان همبستگی با گروه‌های اجتماعی است. تلاش برای کسب استقلال و خودمختاری (فقدان وابستگی به دیگران)، اعتقاد به کارآیی و خلاقیت درونی، و اعتماد به توانایی خود در برون‌رفت از فرهنگ فقر تأثیر دارد. حضور در شبکه‌های اجتماعی، کسب بینش قوی و بزرگ دربارهٔ خود، می‌تواند به از میان رفتن فرهنگ فقر کمک کند.[1]فقر و نابرابری دو منابع مهم عدالت و مبنای ناامنی‌اند. فقر خطرناک‌ترین تهدید نظام اجتماعی است که بشر با آن مواجه است. شکاف گسترده میان ملل غنی و فقیر بالقوه خطرناک است و اگر امید از فقرا گرفته شود، جامعه به‌سوی خشونت، بی‌نظمی و نابه‌سامانی سوق می‌یابد.

جامعه‌شناسان فقر را یکی از چهره‌های نامطلوب زندگی اجتماعی قلمداد کرده‌اند و آن را معیاری برای ارزیابی شکاف طبقاتی در جامعه‌ای مفروض دانسته‌اند. اقتصاددانان نیز میزان درآمد سرانه را شاخص اندازه‌گیری فقر می‌دانند (میری‌آشتیانی، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

از دیدگاه جامعه‌شناسان، نابرابری درآمدی، منجر به محدودیت در دستیابی به فرصت‌های اجتماعی شده و زمینه احساس ناکامی و حقارت را در افراد ایجاد می‌نماید. به‌زعم آلفرد وبر، در مقابل رفتار و فرهنگ گروه ثروتمند، خرده‌فرهنگی از گروه فقرا، فرهنگی با خصوصیات عمل‌گرا و کارکردی‌تر خلق می‌کنند که می‌توان آن را فرهنگ کوچه و بازار خواند (زاهدی، ۱۳۹۰: ۲۲۷). فرهنگ فقر، ابعادی فراتر از بعد اقتصادی را در برمی‌گیرد (کومار، ۲۰۱۰: ۵).

فرهنگ فقر به فقدان آگاهی اجتماعی، انزوای از اجتماع، داشتن احساس حقارت و ناامیدی نسبت آینده را گویند. دراین‌حالت، فقرا، غیرازاینکه از بعد اقتصادی در رنج هستند، بار نگاه گروهی را بر دوش دارند که آنها را با انگ‌های مختلف، طردکردن، فخرفروشی، طعنه‌زدن و استثمار در کارهای سخت ساختمانی و کشاورزی به رنج و عذاب روحی دچار می‌کند. نداشتن مشارکت در مسائل انتظامی، بسته‌شدن روزنهٔ مشارکت در تصمیم‌گیری و اظهار عقیده، فقدان اعتمادبه‌نفس برای تغییر پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر تداوم فقر می‌افزاید. فقر خودبه‌خود به

[1] http://www.ehow.com/ about_6724320_social-poverty_.html

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

ازدست‌رفتن شبکه‌های اجتماعی نظیر خویشاوندان، همسایه‌ها، دوستان و حامیانی منجر می‌شود که سرمایهٔ اجتماعی قوی‌ای برای مقابله با مشکلات عینی و روحی تلقی می‌شوند. با تضعیف شبکه‌های اجتماعی و تضعیف اعتماد، فاصلهٔ اجتماعی بین فقرا و دیگر افراد جامعه، احتمال فقیرتر شدن و افتادن در تلهٔ محرومیت و فرهنگ فقر بیشتر می‌شود.

ورود فقیران به دنیای اجتماعی ثروتمندان با سختی‌هایی همراه است. فقرا از ترس برچسب و داغ ننگ، به تعبیر گافمن، هویت خود را با دیگرانی در تناقض می‌بینند که پایگاه اجتماعی متفاوتی دارند.

فضای تربیتی و روانی حاکم، که زاییدهٔ فقر است، فرزندان فقیر را برای مبارزه با فقر به صورتی منفی، آماده می‌کند. درگیری در خشونت اجتماعی، اشتغال به کارهای یدی و جسمی، تأثیر تربیت خشن در خانواده، تلاش برای امرارمعاش، به‌جای پرداختن نیازهای ثانوی، از ویژگی‌های فرهنگ فقر به‌حساب می‌آید.

علت اینکه روستاهای استان اردبیل جهت مطالعه انتخاب شد این است که در این روستاها، زندگی کشاورزی توأم با کوچ‌نشینی برقرار است. افراد ثروتمند و فقیر زیادی نیز در این روستاها زندگی می‌کنند. رفتارها و روابط این دو گروه با یکدیگر به‌شدت متفاوت است و هرکدام در فضای جغرافیایی ویژه‌ای سکونت دارند. گروه فقرا، همیشه فقیر بوده و افراد ثروتمند نیز از قدیم‌الایام، در دوران ارباب ـ رعیتی، جزء حامیان مالک‌ها بوده‌اند و به‌این‌دلیل، چندین نسل بعد از آنها نیز از مزایای دوران اصلاحات ارضی و اندوخته‌های آن بهره‌مند شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که فقرای روستا، در نسل‌های گذشته و حتی در دوران ارباب- رعیتی، از رعایای فقیر بوده‌اند و چیزی عایدشان نشده‌است. معمولاً، فقرا به گوشه‌نشینی عادت دارند و در محافل عمومی جامعه مشارکت قوی ندارند. فقرا در مجالس ثروتمندان جامعه مشارکت داده نمی‌شوند و در مجالس مذهبی نیز وضع به همین منوال است. فقرا همیشه مغلوب عقاید و تصمیمات ثروتمندان جامعه‌اند و در امور کشاورزی و ساختمانی با دستمزد اندک به کار گرفته می‌شوند. آنها نیز از زندگی خود ناراضی‌اند و با طبقات دیگر جامعه تعامل اجتماعی قوی ندارند و رفتارها و عقاید مذهبی و فرهنگ آنها را نمی‌پذیرند و گاه نیز به‌شدت بین‌شان درگیری رخ می‌دهد. چنین فضایی در تداوم تلهٔ فقر و فرهنگ فقر نقش دارد و امید به بهبود و برون‌رفت از وضعیت اجتماعی موجود را برای فقرا زایل می‌کند.

دلایل اصلی پژوهش حاضر برای پرداختن به فرهنگ فقر روستایی به این شرح است: ۱) این مسئله در بین روستاییان بررسی نشده است. ۲) پژوهش‌های قبلی در محیط شهری صورت گرفته‌اند ۳) فرهنگ فقر از منظر جامعه‌شناختی تبیین نشده و ۴) فقر بیشتر با رویکرد اقتصادی در کانون توجه بوده است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

براین‌اساس، پژوهش حاضر قصد دارد فرضیهٔ وجود رابطهٔ بین مشارکت اجتماعی، وابستگی، سرمایهٔ اجتماعی، خشونت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، منزلت اجتماعی، شخصیت اقتدارطلب، انزوای اجتماعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی و طرد اجتماعی را با فرهنگ فقر روستایی بررسی کند.

پرسش‌های اصلی پژوهش

۱) کدام عوامل جامعه‌شناختی بر فرهنگ فقر روستایی تأثیرگذارند؟
۲) آیا بین مشارکت اجتماعی، وابستگی، سرمایهٔ اجتماعی، خشونت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، منزلت اجتماعی، شخصیت اقتدارطلب، انزوای اجتماعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی و طرد اجتماعی با فرهنگ فقر روستایی رابطه وجود دارد؟
۳) با چه سازوکارهایی می‌توان فرهنگ فقر روستایی را کاهش داد؟

مبانی و چارچوب نظری

فقر به مفهوم بی‌چیزی و ناداری، تهیدستی، تنگدستی و محتاج بودن آمده است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۳۶۰). نابرابری و فقر نوعی تجلی نظم طبیعی و سلسله‌مراتب پایگاه و قدرت و انعکاسی از ظرفیت‌های اجتماعی است. فقر و بیکاری، پدیده‌های به‌هم‌پیوسته‌ای هستند که یکدیگر را تقویت می‌کنند و خصلتی چندبعدی دارند (هنری، ۱۳۸۰: ۶). فقر واژه‌ای سرسام‌آور با مفهوم ناامیدی مطلق است و برای جامعه، دهلیزی تاریک و بی‌انتها تلقی می‌شود، یا به مفهوم بی‌نوایی است که جسم و روح را همچون موشی می‌جود. پس، برای انسان‌های با فضیلت، فقر پدیده‌ای شوم تلقی می‌شود (رهنما، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

نابرابری اجتماعی به موقعیت‌های نامتعادل افراد اشاره دارد که شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. بنیاد اصلی نابرابری اجتماعی، بر تفاوت‌هایی است که جامعه در رفتار با افراد قائل می‌شود. علت این تبعیض مشخصه‌هایی چون طبقهٔ اجتماعی، اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت و دین است. شکاف طبقاتی اساسی‌ترین نوع این نابرابری را تشکیل می‌دهد. نابرابری طبقاتی در ساختار زندگی اقتصادی ریشه دارد و با عملکرد متفاوت اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند (عابدینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۳). فقیر به‌معنای بی‌پول، تهیدست، بی‌چیز، بی‌بضاعت، بیچاره، بدبخت، نادار، مستمند، مسکین، نیازمند، بد، بی‌مقدار، آدم بدکار، نامساعد، سرد، ناتوان، پست، کم‌تجربه، خام و مفلوک است و ازنظر اجتماعی به گروهی اطلاق می‌شود که فقیر، مستمند، بیچاره، تنگ‌دست، مسکین و بی‌نوا هستند (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷۱).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

دیدگاه‌های نظری فقر

نظریهٔ فقر چرخه‌ای: در اقتصاد، چرخهٔ فقر مجموعه‌ای از وقایعی است که به‌واسطهٔ فقر، از نقطه‌ای شروع می‌شود و ادامه می‌یابد، مگر اینکه مداخله‌ای بیرونی صورت بگیرد و این چرخه را بشکند (فرهنگ‌لغت هاتچیسون، ۲۰۱۵). خانواده‌های فقیر دست‌کم در سه نسل خود گرفتار ورشکستگی هستند. اگر خانواده‌ای، درمقایسه‌با نسل قبلی خود، از این وضع نجات نیافته باشد، تداوم این فرایند سرمایهٔ اجتماعی و فرهنگی لازم را برای برون‌رفت از این بحران ناکارآمد می‌کند. این قشر از فقرا، در محاسبهٔ میزان امیدبه‌زندگی نسلی، نسبت به میانگین سنی والدین خود در سطح پایینی قرار دارند. این وضعیت وقتی رخ می‌دهد که مردم فقیر منابع لازم، ازجمله سرمایهٔ مالی، تحصیلی یا ارتباطات اجتماعی لازم، را برای خروج از چرخهٔ فقر ندارند. به‌عبارت‌دیگر، وضعیت بد فقرا مانع از این می‌شود که آنها به منابع اجتماعی و اقتصادی دسترسی داشته باشند. فقیر، با زندگی در این فضای زیستی، برای همیشه فقیر می‌ماند. تداوم نسلی فقر و گرفتاری فقرا در تسلسل آن، باعث شکل‌گیری الگویی از رفتار و نگرش‌ها می‌شود که تغییر آن به‌آسانی ممکن نیست (فرهنگ‌لغت هاتچیسون، ۲۰۱۵: ۶).

چرخهٔ فقر اغلب به دام یا تلهٔ توسعه معروف است (نیازی و عشایری، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در این‌حالت، شاخص‌های اجتماعی ذیل باعث شیوع فقر در جامعه می‌شوند:

۱) احساس بی‌قدرتی: حالتی که فرد احساس بی‌اختیاری می‌کند و قادر به تحت‌تأثیر قراردادن محیط اجتماعی خود نیست. ۲) احساس پوچی: احساسی که شخص تصور می‌کند برای رفتارها و باورهایش خطوط راهنمایی در اختیار ندارد. درواقع، کسی که دچار پوچی شده است، انتظار چندانی از رضایت‌بخش‌بودن رفتار خود در آینده ندارد. ۳) احساس بی‌معیاری: در این‌حالت، فرد احساس می‌کند برای رسیدن به هدف‌های ارزندهٔ خود به وسائل نامشروع نیاز دارد و برای رسیدن به هدف‌ها و تأمین نیازهایی که جامعه برای او به وجود آورده‌است، تلاش می‌کند و راه‌هایی را برای رسیدن به اهدافش انتخاب می‌کند که جامعه تأیید نمی‌کند. ۴) جامعه‌گریزی: حالتی که فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است. چنین فردی به شیوهٔ کارکرد جامعه، روابط و هدف‌های خرد و کلان حاکم بر آن اعتقادی ندارد و چون فعالانه نمی‌تواند این روابط و هدف‌ها را نفی کند، با گوشه‌نشینی و انزوا، خود را از گزند جامعه به حاشیه می‌کشاند. ۵) جدایی از خویشتن: حالتی که فرد از خود بیگانه می‌شود و بااحساس واقعی، علاقه و باورهای خویش، فاصله احساس می‌کند (میری آشتیانی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). به‌زعم، رابرت چمبرز، مردم پس از اولین یورش فقر سریعاً دچار شدیدترین احساس محرومیت می‌شوند و به‌موازات افزایش سریع فقر، آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد و نتیجهٔ آن بی‌قدرتی است (چمبرز، ۱۳۸۶: ۲۱).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

نظریهٔ فقر منزلتی: منزلت در روابط اجتماعی و نظام قشربندی نقش اساسی ایفا می‌کند و با تعهد، اعتبار، حیثیت، آبرو، نفوذ، تأیید اجتماعی و احترام ارتباط دارد (شایان‌مهر، ۱۳۸۹: ۱۶۸). ثروت، خواه ازطریق تلاش‌های تجاوزکارانه به چنگ آید، خواه بدون تلاش به فردی ارث برسد، پایهٔ متداول اعتبار اجتماعی به‌شمار می‌رود و نشانهٔ کارآیی، اعتبار، اقتدار، قدرت، احترام و ارزشمندی است. در جامعه، مال و ثروت مبنای رایج منزلت و افتخار است. برای اینکه کسی در اجتماع پایگاه مقبول داشته باشد، داشتن میزانی از ثروت ضروری است. برای حفظ خوش‌نامی، به‌دست‌آوردن نان و اندوختن دارایی از معیارهای جامعه و مبنای مستقل و قاطعی برای ارجمندی فرد است. برای اینکه شخص در نزد مردم به نیکی شناخته شود، لازم است به میزانی متداول ثروت داشته باشد.

آن‌دسته از اعضای اجتماع، که از ثروت و توانمندی کمتری برخوردارند، در نظر اعضای دیگر ارج کمتری دارند و درنهایت خودشان هم این فرهنگ را می‌پذیرند؛ زیرا حرمت شخص به احترامی وابسته است که همسایگان برای او به‌جا می‌آورند. سرمایهٔ مالی نزد عامهٔ مردم نشانهٔ ارجمندی محسوب می‌شود و شرط لازم برای احترام به خویشتن است (وبلن، ۱۳۸۶: ۷۵).

پیربوردیو در کتاب تمایز خود، مسئله ذائقه را مطرح می‌کند و به این اشاره دارد که جایگاه و منزلت اجتماعی اشخاص در یک گروه، از متغیر سطح درآمد اقتصادی (سرمایه اقتصادی)، تأثیر می‌پذیرد. طبقات اجتماعی با توجه به ثروت و دارایی مادی ارزیابی می‌شوند. سطح توسعهٔ جوامع، رفاه اقتصادی و وضعیت تولیدی جامعه به توانمندی افراد منجر می‌شود و آنها را از فقر و فلاکت رها می‌کند (کینگ، ۲۰۰۰). ضعف منابع مالی و پایین‌بودن طبقهٔ فرد منجر به حاشیه‌ای‌شدن و رانده‌شدن فرد به‌جانب گروه فقیر می‌شود و آنها را در چرخهٔ فقر گرفتار می‌سازد (فارمر و همکاران، ۲۰۰۶: ۷). کسانی که ازنظر اقتصادی در حاشیه قرار گرفته‌اند، تمایل دارند که ازنظر اجتماعی هم حاشیه‌نشین شوند؛ بنابراین، از منابع قدرت محروم می‌شوند و ناخواسته، همیشه فقیر و وابسته می‌مانند (کانبور و اسکوایر، ۱۳۸۲: ۲۴۸).

نظریهٔ طرد اجتماعی فقرا: طرد یعنی رانده‌شدن کسی یا چیزی به دست دیگری (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۴۶۹). طرد اجتماعی به‌معنای محروم‌شدن از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق انسانی و مدنی است (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۹). طرد اجتماعی فرایند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی است (پتریک، ۱۳۸۱: ۱۸۳). فقرای طردشده از جامعه مدنی، خود را در دنیـای خـود محصـور می‌بینند. نابرخورداری از امکانات و محدودیت ارتباط با گروه‌های ناهمگن، بستری را فـراهم می‌کند که در آن زمینهٔ اعتماد به ایجاد وضعیت بهتر، نه‌تنها سـرکوب می‌شود، بلکـه افراد را در نوعی خلسه و بی‌اعتنایی به وضع موجـود فرومی‌برد. درواقع، کمبود امکانات و شکل نگرفتن فضای ارتباطی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

مشترک بـرای فقـرا و نیـز آگاهی حداقلی از دنیای پیرامون، زمینهٔ بروز بیشتر فرهنگ فقر را فراهم می‌کند؛ بنابراین، ارتبـاط محـدود بـا دنیـای اطلاعـات، بـه‌همـراه محبوس‌شدن در چـارچوب اطلاعات فرهنگ قومی، در تشدید فرهنگ فقر مؤثر است. فاسـتر نیـز شـکلی از فرهنگ فقر لوئیس را تحت عنـوان نظریـهٔ خیر محدود با اشاره به فقدان اعتماد اجتماعی و انسجام بین گروهی به کار برد (فرهادی، ۱۳۸۸: ۱۳).

فقر را ناتوانی در مشارکت اجتماعی می‌دانند و فضای مفهومی فقر را با استفاده از مفهوم طرد اجتماعی توصیف می‌کنند. طرد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که افراد قادر به مشارکت در اجتماع نباشند و درجایی رخ می‌دهد که افراد و گروه‌ها به‌طور غیرارادی از فرصت مشارکت در امور اجتماعی محروم شوند. همین امر بر تداوم فقر تأثیر می‌گذارد (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۴۰).

بانک جهانی پژوهشی با عنوان صدای فقر را دربارهٔ ۲۰۰۰۰ فقیر در ۲۳ کشور انجام داده و ویژگی‌هایی را که فرهنگ فقر نهادینه می‌کند، چنین دسته‌بندی کرده است: ۱) هدف سوءاستفادهٔ دیگران قرار گرفتن، ۲) فقدان توانمندی، ۳) طردشدگی، ۴) فقدان امنیت، ۵) فقدان توانایی و محدودیت در آن، ۶) ضعف جسمانی، ۷) معیشت خطرناک ۸) فقدان یا ضعف مهارت در روابط اجتماعی ۹) ضعف مشارکت در سازمان‌های مدنی (مور، ۲۰۰۷: ۹). فقدان یا کمی درآمد نیز با محرومیت از جامعه، آزادی و مشارکت ارتباطی نزدیک دارد و تقویت‌کنندهٔ خط سیر فقر در نسل‌های آتی جامعه است. فرهنگ فقر، بعدی کاملاً انسانی دارد و غیر از مسئلهٔ غذا و معیشت، ابعاد منزلت اجتماعی، احترام، تشخص، نگرش مناسب و توان مشارکت در مسائل مدنی را شامل می‌شود و ازنظر توسعهٔ انسانی، به‌معنای محروم‌شدن از حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن و نیز نبود فرصت برای زندگی شرافتمندانه است (شادی‌طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۶: ۳۴). به‌زعم آتال و اویل، مشارکت به‌تنهایی فقر را از میان برنمی‌دارد. مشارکت، به‌همان‌اندازه که به انگیزش نیاز دارد، به سطح مهارت و دانش نیز وابسته است (نیازی و عشایری، ۱۳۹۵: ۹۸).

نظریهٔ فرهنگ فقر: فرهنگ یعنی اینکه ما چگونه نظام نابرابریِ به‌ارث‌رسیده از نیاکان خود را می‌پذیریم. فرهنگ تقریباً شامل توجیهاتی برای نابرابری است؛ یعنی اگر کسی سخت کار کند، به موقعیت بهتری می‌رسد. برگر استدلال می‌کند که وجود دو نوع ایدئولوژی به حفظ نابرابری کمک می‌کند: ۱) ایدئولوژی‌ای که موقعیت طبقات مرفه را مشروع می‌کند و استدلال می‌کند که این افراد، به‌گونه‌ای برتر، شایسته‌تر، با استعدادتر و سخت‌کوشند و یا فرهنگ غنی‌تری دارند و به این‌دلیل به جایگاه والای اقتصادی رسیده‌اند. ۲) ایدئولوژی دیگری که فقر را نتیجهٔ گناه یا تنبلی فردی می‌داند، تأکید بر این دارد که رفتار خوب فقرا، سرانجام در زندگی پس از مرگ پاداش خواهد داشت و فقر نتیجهٔ عملکرد فکری و رفتاری خود افراد است

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

(کیویستو،[1] ۱۳۸۳: ۱۲۴). منظور از فقر فرهنگی نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده، منزلت اجتماعی پایین و احساس ناامنی در کنش متقابل اجتماعی است (کلمن، ۱۳۸۹: ۲۴۰). فرهنگ فقر زاییدهٔ نوع روابط اجتماعی، فقدان اعتماد، تضعیف شبکه‌های اجتماعی و ساختار نامناسب جامعه است. به‌زعم اسکار لوئیس، فرهنگ فقر حاصل ترکیب اجتماعی- اقتصادی و روان‌شناختی است که باعث بیکاری طولانی، تزلزل در روابط خانوادگی، درماندگی و احساس وابستگی به دیگران و پایین‌بودن سطح مشارکت اجتماعی و درنهایت، ازدست‌دادن اعتمادبه‌نفس و بیگانگی از جامعه می‌شود (رضوی، ۱۳۸۲: ۱۰۱). فقر چیزی فراتر از کمی درآمد یا منابع تولید است. فقر، گرسنگی، سوءتغذیه، محدودیت دسترسی به تحصیلات و نیازهای اساسی، تبعیض اجتماعی و طرد اجتماعی و فقدان مشارکت در تصمیم‌سازی را شامل می‌شود و همین ویژگی‌ها بر فرهنگ فقر نیز تأثیر می‌گذارند.[2]فرهنگ فقر می‌تواند به پدیده‌ای ارثی نیز تبدیل شود. بچه‌هایی که در خانواده‌ای فقیر متولد می‌شوند، موقعیت بسیار دشواری برای تحرک اجتماعی، در مقایسه با کسانی که در خانوادهٔ مرفه متولد می‌شوند، خواهند داشت (ممفیس، ۲۰۱۰: ۳). خشونت اجتماعی، استبدادی‌بودن روابط، رقابت ناسالم بین طبقات و وابستگی به دیگران نیز به تداوم فرهنگ فقر کمک می‌کند.

نظریهٔ داغ‌ننگ فقر: در نظریهٔ داغ‌ننگ، ویژگی‌هایی ازجمله احساس شرمساری و خجل‌بودن به پایین‌آمدن احساس منزلت اجتماعی منجر می‌شود. این‌داغ شکلی از تعامل دوطرفه است. به‌زعم کسترو و فارمر[3](۲۰۰۵)، فقر اجتماعی مبین داغ عمومی‌ای است که به گرفتاری در دایرهٔ ننگ می‌انجامد. درواقع، داغ‌ننگ، ضایع‌کردن هویت در نتیجهٔ نسبت‌دادن عقایدی است که عمیقاً فرد را بی‌اعتبار می‌سازد (نیازی و عشایری، ۱۳۹۵: ۲۳۱). تمایل به زندگی در لحظه، ناتوانی در دفاع از حق خود، تسلیم‌شدن، احساس تهدید، احساس بی‌منزلتی، متکی‌بودن به عقاید دیگران، فقدان منزلت اجتماعی، و انزوای اجتماعی از عوامل اصلی مؤثر فقر هستند (ستوده، ۱۳۸۸: ۹۹). مطالعات نشان می‌دهد که فقر نتیجهٔ داغ اجتماعی است. تجربهٔ داغ فقرا را در بی‌منزلتی و خواری، طردشدگی و بی‌ارزشی، درگیر می‌سازد (سرتوریز،[4]۲۰۰۴: ۶۴). پدیدهٔ داغ اجتماعی به درونی‌شدن تنفر از خود، خودمنزوی‌سازی و احساس شرمساری از حضور در جمع می‌انجامد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین داغ ننگ و تبعیض اجتماعی، رابطهٔ علّی وجود دارد (نیازی و عشایری، ۱۳۹۵: ۸۸).

[1] Kivisto
[2] http://undesadspd.org/ Poverty.aspx
[3] Castro & Farmer
[4] Sartorius

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

پیشینهٔ تجربی پژوهش

ــ پژوهشی با عنوان «شناخت فرهنگ فقر در هرسین» به قلم همزه‌ای و همکاران (۱۳۹۰) صورت گرفته است که نشان می‌دهد عواملی همچون بی‌توجهی به خود و خانواده، بدبینی و ناامیدی، تقدیرگرایی، موروثی‌بودن فقر، انزوای شدید اجتماعی، انزوای فضایی و مکانی، وضعیت اقتصادی بد و نداشتن مشارکت اجتماعی در ایجاد فرهنگ فقر اثرگذار است.

ــ پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی میزان فقر در مناطق تبریز» به کوشش بنی‌فاطمه و ایرانی (۱۳۸۹) انجام‌گرفته که نشان می‌دهد بین فقر و ابعاد فرهنگی، فقر موقعیتی و فقر مسکن در منطقهٔ ۱۰ شهرداری تبریز رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد.

ــ پژوهشی با عنوان «زنان و فرهنگ فقر: مطالعهٔ کیفی فرهنگ فقر در میان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی ساری» به کوشش محمدپور و علیزاده (۱۳۹۰) صورت گرفته‌است که نشان می‌دهد شاخص‌هایی ازجمله مسئولیت‌گریزی، مشارکت‌گریزی، پنهان‌کاری، تعصب جنسیتی، آسیب‌پذیری اخلاقی، ازدواج اجباری مجدد، خطرپذیری پایین و دریوزگی از ویژگی‌های فرهنگ فقر زنانه هستند.

ــ در پژوهشی با عنوان «عوامل تداوم فقر در بلکت بلت آلاباما» به قلم زکری (۲۰۰۳) صورت گرفته که نشان می‌دهد که تداوم فقر با مسئلهٔ نژاد ارتباطی قوی داشته و در بین سیاه‌پوستان بیشتر از سفیدپوستان است؛ و همچنین، انزوای اجتماعی، و فقدان مشارکت در امور مدنی در پیدایش فرهنگ فقر تأثیر دارد.

ــ پژوهشی با عنوان «فقر و سرمایهٔ اجتماعی در جوامع روستایی» به کوشش شادی‌طلب و حجتی کرمانی (۱۳۸۶) نشان داده‌است درجهٔ مشارکت روستائیان از حد سهیم‌شدن در اطلاعات فراتر نرفته و آنها از مشارکت در تصمیم‌گیری در سطح بالاتر محروم بوده‌اند. درنتیجه، مشارکت از نوع ابزاری، تغییر چندانی در وضعیت فقر روستا به‌وجود نیاورده‌است. همچنین، ریشه‌دوانیدن خشونت در فرهنگ جامعه و خسارت‌های انسانی و مادی ناشی از آن زمینهٔ کافی را برای بروز و تداوم فقر فراهم می‌کند.

ــ هاگبرگ (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «فقر در بورکینافاسو» نشان می‌دهد که عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فرهنگ فقر تأثیر دارند و در باب علل فرهنگی فقر مواردی چون نامناسب‌بودن نظام خویشاوندی و نظام اجتماعی، عقاید مذهبی بازدارنده و فرهنگ حاکم بر جامعه را مطرح می‌کند.

ــ موریس (۱۹۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارتباط سرمایهٔ اجتماعی و فقر در ایالات هند» نشان می‌دهد که میزان دارایی هر ایالت از سرمایهٔ اجتماعی بر توانایی آن ایالت در کاهش فقر تأثیر می‌گذارد.

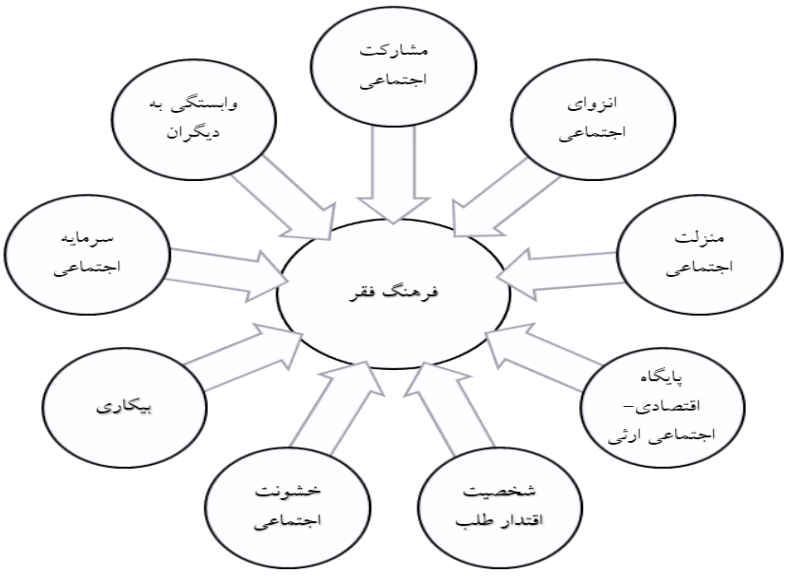
[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

ــ در پژوهشی با عنوان «شاخص‌های چندبعدی فقر»، الکیر و همکاران (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که فقر پدیده‌ای چندبعدی و دارای شاخص‌های گوناگون است. از بعد اجتماعی، فقر در پایین‌بودن سطح آگاهی، فضای ذهنی، فقدان نوآوری، ضعف خلاقیت، حاشیه‌ای‌شدن افراد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد ریشه دارد.

ــ اتسوکا (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «فقر روستایی و نابرابری درآمد در آسیا و آفریقا» اشاره می‌کند که کشورهای درحال‌توسعه در فرایند توسعهٔ خود همچنان با فقر مواجه‌اند. در این کشورها فقر روستایی بیشتر از فقر شهری بوده است و عواملی ازجمله فقدان درآمد کافی، کشاورزی ضعیف، فقدان مهارت کافی شغلی، نبود حمایت دولتی و نیز نابرابری درآمد در افزایش فقر روستایی تأثیر دارند.

نقد: پژوهش‌های صورت‌گرفته درزمینهٔ فقر از وجود ضعف نسبی در تحلیل و تبیین فقر حکایت دارد. به‌این‌معنی که در این مطالعات بیشتر مسئلهٔ درآمد، مسائل اقتصادی و مالی در تداوم فقر در کانون توجه بوده و مطالعات جامعه‌شناختی نیز، به‌صورت فعلی، نتوانسته مجموعه عوامل مؤثر را بررسی کند، همچنین، مطالعات پیش‌گفته با نگاه جامعه‌شناختی دقیق به فرهنگ فقر نپرداخته‌اند، کاری که این پژوهش به دنبال آن است. براین‌اساس، پژوهش حاضر فرض وجود عوامل مؤثر بر فرهنگ فقر را با استفاده از مطالعات و الگوی نظری در نمودار ذیل ترسیم می‌کند:



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

روش‌شناسی: روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشیِ کمی و ازلحاظ هدف کاربردی بوده و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه صورت گرفته‌است. جامعهٔ آماری پژوهش مشتمل بر شش‌روستای استان اردبیل است که به‌دلیل هم‌جواری، تفاوت فرهنگی و اجتماعی زیادی باهم ندارند. در این پژوهش با مراجعه به نهادهای مربوطه، آمار خانوارهای تحت پوشش دولتی به دست آمد و با استفاده از الگوی اشتهاری، خانوارهای فقیر از منظر اهالی، که به‌دلایلی تحت پوشش نهادهای خیریه نیستند، ولی جزء طبقات کم‌درآمد محسوب می‌شوند، شناسایی شدند. بعد از مشخص‌شدن جامعهٔ آماری خانوارهای فقیر، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۲۶۷ نفر به‌دست آمده‌است. در پایان، با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای، حجم نمونه‌های هر روستا در جدول ۲ مشخص شده‌است. به‌دلیل محدودبودن جامعهٔ آماری از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده‌است. فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه به این شرح است:

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq}$$

در الگوی اشتهار از افراد جامعه پرسیده می‌شود که دیگران در چه طبقهٔ اجتماعی قرار می‌گیرند. این روش در جوامع سنتی و نسبتاً کوچک، کاربرد دارد که افراد شناختی دقیق از سبک زندگی یکدیگر دارند (کوهن،۱۳۹۰: ۱۷۹). برای سنجش روایی تحقیق نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده‌است. گویه‌های پژوهش از دو قسمت مجزا تشکیل شده‌است: ۱) در بخش توصیفی، نظرسنجی در باب فرهنگ فقر و نگرش به آن با ده گویه صورت گرفته و ۲) در بخش استنباطی، ۳۷ گویه درقالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای سنجیده شده است.

جدول ۱. حجم نمونه و جامعهٔ آماری تحقیق

نام روستا	تعداد خانوار	تعداد خانوار فقیر	حجم نمونه کلی	حجم هر طبقه
دوستبگلو	۷۰۰	۱۵۰	۲۶۷	۳۱ خانوار
صاحب دیوان	۴۰۰	۱۲۰		۲۵ خانوار
سرخانلو	۷۰۰	۲۵۰		۵۲ خانوار
تبنق	۸۰۰	۳۲۰		۶۷ خانوار
کوجنق	۹۰۰	۳۶۰		۷۵ خانوار
قشلاق زاخر	۲۰۰	۸۰		۱۷ خانوار
جمع		۱۲۸۰		۲۶۷

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

جدول ۲. روایی مقیاس‌ها

شاخص	پرسشنامهٔ مقدماتی		پرسشنامهٔ نهایی	
	تعداد گویه	ضریب روایی	تعدادگویه	ضریب روایی
مشارکت اجتماعی	۵	۰/۷۱	۴	۰/۸۱
وابستگی به دیگران	۵	۰/۶۸	۴	۰/۷۹
سرمایهٔ اجتماعی	۵	۰/۸۱	۳	۰/۷۳
خشونت اجتماعی	۵	۰/۶۷	۴	۰/۷۰
منزلت اجتماعی	۴	۰/۷۱	۴	۰/۷۴
شخصیت اقتدارطلب	۴	۰/۶۹	۳	۰/۷۰
انزوای اجتماعی	۶	۰/۷۷	۴	۰/۷۸
پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی	۵	۰/۷۲	۳	۰/۷۸
بیکاری	۴	۰/۷۵	۴	۰/۸۱
فرهنگ فقر	۵	۰/۸۱	۴	۰/۸۲

یافته‌های توصیفی تحقیق

جدول ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	بیشینه	کمینه	دامنهٔ تغییرات	مقدار متوسط
منزلت اجتماعی	۱۹/۲۳	۲۰/۶	-۰/۹۰	۳۶	۹	۲۷	۲۲/۵
مشارکت اجتماعی	۲۶/۳۱	۷/۶۸	-۰/۱۳	۴۰	۱۰	۳۰	۲۵
وابستگی به دیگران	۱۶/۹۷	۴/۱۹	-۰/۰۶	۲۸	۷	۲۱	۱۷/۵
شخصیت اقتدارطلب	۲۴/۹۰	۴/۷۰	-۰/۴۹	۳۲	۹	۲۳	۲۰/۲۵
سرمایهٔ اجتماعی	۹۶/۴۳	۱۵/۰۲	-۰/۲۳	۱۳۳	۴۶	۸۷	۸۹/۵
انزوای اجتماعی	۱۴/۱۱	۳/۴۹	۰/۵۷	۲۶	۷	۱۹	۱۶/۵
پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی	۱۳/۹۱	۴/۹۲	۰/۶۸	۲۸	۷	۲۱	۱۷/۵
بیکاری	۱۳/۹۹	۳/۴۵	۰/۶۴	۲۷	۷	۲۰	۱۷
فرهنگ فقر	۷۵/۱۲	۱۲/۵۹	۰/۸۰	۹۵	۳۴	۶۱	۶۴/۵

یافته‌های توصیفی تحقیق حاکی از آن است که:

ـ میانگین متغیر منزلت اجتماعی با حداکثر ۳۶ و حداقل ۹، پایین‌تر از مقدار متوسط است. درواقع، میزان منزلت اجتماعی پاسخگویان از حد متوسط پایین‌تر بوده است.

ـ میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان با میانگین ۲۶/۳۱، با توجه به بیشینهٔ ۴۰ و کمینهٔ ۱۰، تقریباً در حد متوسط رو به بالا قرار دارد.

ـ میانگین متغیر وابستگی به دیگران، با توجه به حداکثر ۲۸ و حداقل ۷، تقریباً در حد متوسطی قرار دارد.

ـ میانگین متغیر شخصیت اقتدارطلب (با ۲۴/۹۰) با توجه به حداکثر اعتماد ۳۲ و حداقل ۹، در حد متوسط رو به بالا قرار دارد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

ـ میانگین سرمایهٔ اجتماعی در بین آزمودنی‌ها در حد متوسط رو به بالا قرار دارد.
ـ میانگین متغیر انزوای اجتماعی برابر (با ۱۴/۱۱) با توجه به میزان حداکثر ۲۶ و حداقل ۷، در حد متوسط رو به پایین است.
ـ میانگین متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی (۱۳/۹۱) از مقدار متوسط پایین‌تر است.
ـ میانگین به‌دست‌آمده برای متغیر بیکاری (۱۳/۹۹) پایین‌تر از مقدار متوسط قرار دارد.
ـ میانگین متغیر فقر در بین آزمودنی‌ها در حد متوسط رو به بالایی قرار دارد (جدول ۳).

یافته‌های استنباطی تحقیق

جدول ۴. نتایج حاصل از روابط متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی	پیرسون	-۰/۳۴۵	۰/۰۰۰
وابستگی به دیگران	پیرسون	۰/۲۱۲	۰/۰۰۰
سرمایهٔ اجتماعی	پیرسون	-۰/۳۵۳	۰/۰۱۲
خشونت اجتماعی	پیرسون	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰
منزلت اجتماعی	پیرسون	-۰/۳۸۷	۰/۰۰۰
شخصیت اقتدارطلب	پیرسون	-۰/۴۴۱	۰/۳۴۱
انزوای اجتماعی	پیرسون	۰/۱۳۴	۰/۰۰۴
پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی	پیرسون	-/۳۱۹	۰/۰۰۰
بیکاری	پیرسون	-۰/۲۲۱	۰/۳۲۴

فرضیهٔ نخست: نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین مشارکت اجتماعی و فرهنگ فقر رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی در سطح معنی‌داری صفر برابر با ۰/۳۴۵- است؛ به این‌معنی که هرچه میزان مشارکت اجتماعی افراد پایین‌تر باشد، فقر بیشتر خواهد شد و برعکس.
فرضیهٔ دوم: یافته‌ها نشان می‌دهد بین وابستگی به دیگران و فرهنگ فقر رابطهٔ معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۰ برابر با ۰/۲۱۲ وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان وابستگی افراد به دیگران بیشتر باشد، بر میزان فرهنگ فقر آنها افزوده خواهد شد و هرچه افراد استقلال بیشتری در زندگی خود ازلحاظ مالی، فکری، رفتاری و غیره داشته باشند به همین میزان از سطح فرهنگ فقر آنها کاسته می‌شود.
فرضیهٔ سوم: یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سرمایهٔ اجتماعی و فرهنگ فقر رابطهٔ معکوس و معنی‌داری وجود دارد (ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰/۰۱۲ برابر با ۰/۳۵۳- است)؛ یعنی هرچه سرمایهٔ اجتماعی بین افراد قوی‌تر باشد، فقر نیز کمتر خواهد بود و هرچه سرمایهٔ اجتماعی ضعیف‌تر و به‌نوعی فردگراتر باشد، بر میزان فقر افزوده می‌شود.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

فرضیهٔ چهارم: یافته‌ها نشان می‌دهد که بین خشونت اجتماعی و فرهنگ فقر رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد (ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری صفر برابر با ۰/۲۱۸- است)؛ به این‌معنی که هرچه خشونت اجتماعی بیشتر باشد، میزان فرهنگ فقر بیشتر می‌شود.

فرضیهٔ پنجم: نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین منزلت اجتماعی و فرهنگ فقر رابطهٔ معکوس و معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی هرچه منزلت اجتماعی افراد پایین‌تر باشد، بر میزان فقر آنها افزوده خواهد شد و برعکس، هرچه بر احساس منزلت اجتماعی افراد افزوده شود، از میزان فقر آنها کاسته خواهد شد.

فرضیهٔ ششم: یافته‌های آزمون پیرسون حاکی از این است که بین شخصیت اقتدارطلب و فرهنگ فقر رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیهٔ هفتم: یافته‌های آزمون پیرسون حاکی از این است که بین انزوای اجتماعی و فرهنگ فقر رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی هرچه انزوای اجتماعی افراد بیشتر باشد، میزان فرهنگ فقر نیز بیشتر خواهد بود و هرچه از سطح انزوای اجتماعی افراد کاسته شود، از میزان فقر نیز کاسته می‌شود.

فرضیهٔ هشتم: نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی و فرهنگ فقر رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. (ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری صفر برابر با ۳۱۹/ است)؛ به این‌معنی که هر چه پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی افراد بهتر باشد، میزان فقر، پایین‌تر است و برعکس، هرچه پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی افراد پایین‌تر باشد، میزان فقر آنها افزوده می‌شود.

فرضیهٔ نهم: نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین بیکاری و فرهنگ فقر رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد.

نتایج رگرسیونی

جدول ۵. ضرایب رگرسیون بین متغیرها

متغیرهای مستقل	ضریب خام رگرسیون	انحراف استاندارد	Beta	T	سطح معنی‌داری	نتیجه
عرض از مبدأ	۲۳۰۴۳	۳۸۰۴		۶۰۵۸	۰/۰۰۰	-
مشارکت اجتماعی	۰/۵۵۰	۰/۰۹۴	-/۲۷۴	-۵/۸۶۴	۰/۰۰۰	تأیید
وابستگی به دیگران	۰/۲۱۵	۰/۰۵۷	۰/۱۴۸	۰/۷۹۸	۰/۰۰۰	تأیید
سرمایهٔ اجتماعی	۰/۷۴۰	۰/۱۱۲	-/۵۳۶	-۵/۳۶۸	۰/۰۰۰	تأیید
خشونت اجتماعی	۰/۳۴۵	۰/۲۵۲	۰/۳۳۹	۳/۹۸۲	۰/۰۰۰	تأیید
منزلت اجتماعی	۰/۲۱۵	۰/۰۵۷	-/۱۵۲	-/۷۹۸	۰/۰۰۰	تأیید
شخصیت اقتدارطلب	۰/۷۵۹	۰/۰۹۲	-/۲۵۱	-۳/۶۲۷	۰/۰۰۰	تأیید
انزوای اجتماعی	۰/۴۹۱	۰/۳۴۶	۰/۳۷۰	۶/۰۵۶	۰/۰۵۱	تأیید
پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی	۰/۳۱۷	۰/۱۶۷	-/۱۶۱	-۲/۵۷۹	۰/۰۲۱	تأیید
بیکاری	۰/۲۲۸	۰/۰۱۳	-/۲۱۹	-۱/۲۰۱	۰/۴۳۵	رد
ضریب تعیین: ۰/۴۹۱		ضریب تعیین تعدیل‌شده: ۰/۴۷۸		ضریب همبستگی چندگانه: ۰/۳۴۵		

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

ــ برحسب نتایج پیش‌گفته، ضریب استاندارد رگرسیونِ متغیر مشارکت اجتماعی برابر ۲۷۴/- است. این مقدار حاکی از آن است که به‌ازای یک‌واحد افزایش در متغیر مستقل میزان مشارکت اجتماعی، متغیر وابسته- یعنی فقر- ۲۷۴ واحد کاهش می‌یابد. این مقدار با سطح معنی‌داری صفر به جمعیت تعمیم‌پذیر است.

ــ ضریب استاندارد رگرسیون برای متغیر وابستگی به دیگران برابر با ۰/۱۴۸ است. این مقدار حاکی از آن است که به‌ازای یک‌واحد افزایش در متغیر مستقل وابستگی به دیگران، متغیر وابسته ـ فقر- ۰/۱۴۸ واحد افزایش می‌یابد. این مقدار با سطح معنی‌داری صفر به جمعیت تعمیر پذیر است.

ــ ضریب استاندارد رگرسیون برای متغیر سرمایهٔ اجتماعی برابر با ۵۳۶/- است. این مقدار حاکی از آن است که به‌ازای یک‌واحد افزایش در متغیر مستقل سرمایهٔ اجتماعی، متغیر وابسته ـ یعنی فقر- ۵۳۶/- واحد کاهش می‌یابد. این مقدار با سطح معنی‌داری صفر به جمعیت تعمیم‌پذیر است.

ــ ضریب استاندارد رگرسیون برای متغیر خشونت اجتماعی برابر با ۰/۳۳۹ است. این مقدار حاکی از آن است که به‌ازای یک‌واحد افزایش در متغیر مستقل خشونت اجتماعی، متغیر وابسته ـیعنی فقر ۰/۳۳۹ واحد افزایش می‌یابد. این مقدار با سطح معنی‌داری صفر به جمعیت تعمیم‌پذیر است.

ــ ضریب استاندارد رگرسیون برای متغیر منزلت اجتماعی برابر با ۱۵۲/- است. این مقدار حاکی از آن است که به‌ازای یک‌واحد افزایش در متغیر مستقل منزلت اجتماعی، متغیر وابسته ـ یعنی فقر- ۱۵۲/- واحد کاهش می‌یابد. این مقدار با سطح معنی‌داری صفر به جمعیت تعمیم‌پذیر است.

ــ ضریب استاندارد رگرسیون برای متغیر شخصیت اقتدارطلب برابر با ۲۵۱/- است. این مقدار حاکی از آن است که به‌ازای یک‌واحد افزایش در متغیر مستقل شخصیت اقتدارطلب، متغیر وابسته ـ یعنی فقر- ۲۵۱/- واحد کاهش می‌یابد. این مقدار با سطح معنی‌داری صفر به جمعیت تعمیم‌پذیر است.

ــ ضریب استاندارد رگرسیون برای متغیر انزوای اجتماعی برابر با ۰/۳۷۰ است. این مقدار حاکی از آن است که به‌ازای یک‌واحد افزایش در متغیر مستقل انزوای اجتماعی، متغیر وابسته ـ یعنی فقر- ۰/۳۷۰ واحد افزایش می‌یابد. این مقدار با سطح معنی‌داری صفر به جمعیت تعمیم‌پذیر است.

ــ ضریب استاندارد رگرسیون برای متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی ارثی برابر با ۱۶۱/- است. این مقدار حاکی از آن است که به‌ازای یک‌واحد افزایش در متغیر مستقل پایگاه اقتصادی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

ـ اجتماعی ارثی، متغیر وابسته ـ یعنی فقرـ ۰/۱۶۱ واحد کاهش می‌یابد. این مقدار با سطح معنی‌داری صفر به جمعیت تعمیم‌پذیر است.

ــ ضریب استاندارد رگرسیون برای متغیر بیکاری برابر با ۲۹۱/- است؛ اما، این مقدار با سطح معنی‌داری ۰/۴۳۵ به جمعیت تعمیم نمی‌پذیرد و معنی‌دار نیست.

درنهایت، ضریب تعیین تعدیل‌شده در الگوی رگرسیونی برابر با ۰/۴۷۸ بوده است؛ به این‌معنی که مجموع متغیرهای مستقل در الگو، توانسته‌اند ۰/۴۷ درصد از تغییرات متغیر فقر را تبیین کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

فقیر کسی است که به‌دلیل دسترسی نداشتن به سلامت، امکانات کسب علم و دانش و سطح زندگی مناسب و شایسته، از بسیاری فرصت‌های دیگر نیز در زندگی محروم است. این درواقع همان تلهٔ محرومیت است که درست نظیر باتلاقی اجتناب‌ناپذیر پیوسته و بی‌انقطاع فرد را به کام خود می‌کشد و هرروز او را بیش‌ازپیش در فضای بی‌قدرتی، فقر و نداشتن حق انتخاب فرو می‌برد. کاهش انتظام، انسجام اجتماعی و افزایش نابسامانی‌ها، از خودبیگانگی‌ها، انحرافات، بزهکاری و پس‌روی اخلاقی از آثار فقر است. براین‌اساس، پژوهش حاضر نیز با هدف تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ فقر در روستاهای استان اردبیل به‌رشتهٔ تحریر درآمده‌است.

مشارکت اجتماعی و سهیم‌شدن فقرا در مسائل مهم جامعه در حوزهٔ قدرت، تصمیم‌گیری و اجرا، و حضور در تصمیم‌گیری‌های نهادهای غیردولتی و مدنی نظیر ساخت مساجد، پل، ساخت مدرسه و نوسازی نهادهای عمومی جامعه، به‌منزلهٔ سپری دربرابر فقر و مسائل ناشی از آن است. براین اساس، مشارکت فقرا می‌تواند در آنها برای تغییر و ایجاد تحول در خود قدرت بدهد. هرچه حضور آنها در مسائل اجتماعی کم شود، به همان میزان فرهنگ فقر نیز پررنگ خواهد شد.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که عدم مشارکت اجتماعی فقرا در مسائل مدنی زمینه‌ساز فرهنگی‌شدن فقر است. فقرا با دوری‌گزینی از اجتماع فرصت برون‌رفت از تلهٔ فقر را به‌دلیل فرسایش مشارکت از دست می‌دهند. معنی‌داری رابطهٔ متغیرهای مشارکت اجتماعی و فرهنگ فقر در پژوهش حاضر با تحقیقات نظری رضوی (۱۳۸۲)، غفاری و تاج‌الدین (۱۳۸۴)، ممفیس (۲۰۱۰)، مور (۲۰۰۷) و ستوده (۱۳۸۸) و نتایج تجربی پژوهش‌های همزه‌ای و همکاران (۱۳۹۰)، محمدپور و علیزاده (۱۳۹۰)، زکری (۲۰۰۳) شادی‌طلب و حجتی کرمانی (۱۳۸۶) هم‌سو است.

یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار بر تداوم فرهنگ فقر، وابستگی به دیگران است. وابستگی فقرا برای انجام کارهای کشاورزی و خرید لوازم ضروری دیگران ـ به‌تعبیری نزول‌خواران و قدرتمندان جامعه، نه‌تنها کمکی به ارتقای وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنها نمی‌کند، بلکه آنها

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

را در چرخهٔ تداوم فقر نگه می‌دارد و آنها را به رفتار و بینش اربابان پولی خود وابسته می‌کند. این مسئله فرهنگ ابتکار و خلاقیت و تلاش را از افراد فقیر می‌گیرد و آنها را به لحاظ روحی وابسته می‌کند، و رفتار و شخصیت آنها را تابع نگاه و کردار قشر ثروتمندان قرار می‌دهد. در این‌میان، معنی‌داری رابطهٔ بین متغیرهای وابستگی به دیگران و فرهنگ فقر در پژوهش حاضر، با نتایج رضوی (۱۳۸۲)، چمبرز (۱۳۸۶)، ستوده (۱۳۸۸) و میری آشتیانی (۱۳۹۰) هم‌خوانی دارد.

متغیر سرمایهٔ اجتماعی همچون پیلهٔ حفاظتی دربرابر فقر و مصیبت‌های اجتماعی عمل می‌کند و به‌مثابهٔ شبکهٔ اجتماعی قوی، افراد را در روابط اجتماعی نگه می‌دارد و امید به تکاپو و پویایی و ایمان به خروج از بحران و فقر را در فرد ایجاد می‌کند. در سرمایهٔ اجتماعی، فقط عنصر اقتصادی ملاک نیست، بلکه حضور افراد فقیر در کنار گروه‌های اجتماعی آنها را از تلهٔ وخیم فقر محافظت می‌کند. شبکه‌های اجتماعی، به دلیل حضور افراد درکنار دیگر اقشار جامعه، امکان ایجاد گفت‌وگو با طبقات اجتماعی ثروتمندان و تقویت روابط اجتماعی با دیگران را فراهم می‌کند و زمینهٔ افزایش روحیه، امیدواری و اطمینان به تغییر و تحولات را در فقرا ایجاد می‌کند و راهکارهای تازه‌ای پیش پای ایشان می‌گذارد. چنین روابطی از سنگینی و فشار حس انزوا و طردشدگی افراد می‌کاهد و جایگاه آنها را در فضای اجتماعی باز و مهیا می‌کند. حضور در این شبکه‌ها در رفع خصومت‌ها و ایجاد اعتماد بین‌فردی نیز تأثیر دارد. اعتماد اجتماعی نیز به‌منزلهٔ عامل تداوم‌بخش توسعه و کاهش فقر نقشی مهمی در جامعه ایفا می‌کند. وجود اعتماد قوی اهرمی قوی برای حمایت از همدیگر در داخل شبکه‌های اجتماعی و حل‌وفصل مشکلات مالی، بهداشتی و نیازهای روزمره است. درصورتی‌که اعتماد بین افراد جامعه از بین برود، زمینهٔ افزایش فقر مهیا می‌شود. معنی‌داری رابطهٔ بین سرمایهٔ اجتماعی و فرهنگ فقر در پژوهش حاضر، با مطالعات تجربی شادی‌طلب و حجتی کرمانی (۱۳۸۶)، ستوده (۱۳۸۲)، هاگبرگ (۲۰۰۱)، موریس (۱۹۹۸) و اتسوکا (۲۰۰۹) مطابق و هم‌سو است. فرهنگ فقر خود حاکی از شیوع خشونتی است که در مناسبات اجتماعی نمایان است.

خشونت اجتماعی نیز در بازتولید فرهنگ فقر و گرفتارشدن در چرخهٔ فقر تأثیر دارد. خشونت اجتماعی در قبال قشر فقیر مانع آزادی فقرا برای رشد تلقی می‌شود. داشتن حس خصومت قومی، دشمنی و کینهٔ شدید فقرا به ثروتمندان و ثروتمندان به فقرا زمینهٔ تعامل و استعداد خلاقیت را از بین می‌برد و فقرا را به آینده بدبین می‌کند. براین‌اساس، تضاد اجتماعی و خشونت علیه یکدیگر در بین گروه‌های اجتماعی به افزایش فرهنگ فقر می‌انجامد. یافتهٔ پژوهش حاضر مبنی بر معنی‌داری رابطهٔ فرهنگ فقر و خشونت اجتماعی با مطالعات تجربی میری آشتیانی (۱۳۹۰) و شادی‌طلب و حجتی کرمانی (۱۳۸۶) هم‌سو است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

به‌زعم بوردیو، منزلت اجتماعی افراد به خاستگاهِ اجتماعی، سابقهٔ آموزش و در کل، به داشتن دو نوع سرمایهٔ اقتصادی و سرمایهٔ فرهنگی وابسته است. عنصر اساسی تمایز بخش بین طبقات اجتماعی مرفه و فقیر، ذائقه، سلیقه، منش، نوع پوشش، مصرف و رجحان‌های فرهنگی است. به‌زعم او، وقتی ذائقهٔ مشروع و سلطهٔ قشر بالادست و مرفه در جامعه حکم‌فرما باشد و اقشار پایین‌دست جامعه به رفتارها، پوشاک، و دانشی برای احساس تشخص دسترسی نداشته باشند، زمینهٔ بی‌اعتمادی و حس بی‌منزلتی در اقشار فقیر ایجاد می‌شود. منزلت اجتماعی افراد فقیر در جامعه با میزان دارایی و سرمایهٔ فرهنگی ارزیابی می‌شود که با فقدان آنها در عرصهٔ رقابت، فقرا دچار بی‌منزلتی اجتماعی می‌شوند. درنتیجه، هرچه منزلت اجتماعی فقرا در جامعه یا در فرهنگ حاکم در جامعه پایین‌تر باشد، به همان میزان بر میزان فرهنگ فقر آنها افزوده می‌شود.

در جوامع سنتی، منزلت فرد به‌زعم وبلن بیشتر به داشتن ثروت اقتصادی است تا هوشمندی و تفکر اندیشمندانه. حتی رفتار مذهبی فرد به‌تبع دارایی او ارزیابی و سنخ‌بندی می‌شود. افراد ثروتمند ـچه عاقل و چه غیرعاقل ـ مورد احترام اکثر جامعه هستند و فقرا از این احترام و تشخص بوردیویی کنار می‌روند. براین‌اساس، وجود همبستگی بین منزلت اجتماعی و فرهنگ فقر با مطالعات شادی‌طلب و حجتی کرمانی، (۱۳۸۴)، کیویستو (۱۳۸۳)، کلمن (۱۳۸۹)، میری آشتیانی (۱۳۹۰)، چمبرز (۱۳۸۶) و ستوده (۱۳۸۲) هم‌جهت است.

جذب و دفع افراد در شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر میزان دارایی آنهاست و براساس تحلیل‌های بوردیو، ذائقهٔ افرادی که سبک زندگی و درآمد یکسانی دارند وحدت ایجاد می‌کند و درنتیجه، کسانی که صاحب چنین شاخصه‌هایی نیستند از شبکه‌های گروهی دفع و طرد می‌شوند. هرچه فقرا از شبکه‌های اجتماعی، خویشاوندی، همسایگی و فعالیت‌های اجتماعی کنار گذاشته شوند، به همان میزان بر فرهنگ فقر آن افزوده خواهد شد و آنها در چرخهٔ فقر به وضعیت وخیم‌تری دچار خواهند شد. در پژوهش حاضر، معنی‌داری رابطهٔ بین متغیرهای انزوای اجتماعی و فرهنگ فقر با نتایج پژوهش‌های الکیر و همکاران (۲۰۱۴)، هاگبرگ (۲۰۰۱)، زکری (۲۰۰۳)، همزه‌ای و همکاران (۱۳۹۰) مطابق و هم‌سو است.

در جوامع امروزی، پایگاه اجتماعی‌ـ اقتصادی نیز عنصری تعیین‌کننده در فرهنگ فقر است. به‌زعم وبلن، داشتن میراث اقتصادی از نیاکان و اجداد در جوامع طبقاتی نشانهٔ شرافت و ارزشمندی و لیاقت است. در اصل، این میراث ضامن پیشرفت افراد است تا آنها از منزلت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی موروثی برای بهبود جایگاه اجتماعی خود در بین طبقات اجتماعی استفاده کنند. داشتن دارایی و مقداری از مال‌ومنال ـ چه ارثی و غیرارثی‌ـ در ارزیابی افراد و نظارت اجتماعی مهم تلقی می‌شود. به‌این‌ترتیب، هرچه پایگاه اقتصادی‌ـ اجتماعی یا زمینهٔ خانوادگی ازلحاظ مالی و دارایی بهتر باشد، احتمال کاسته‌شدن فرهنگ فقر بسیار زیاد است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

این نتایج با مطالعات تجربی اتسوکا (۲۰۰۹)، بنی‌فاطمه و ایرانی (۱۳۸۹)، میری آشتیانی (۱۳۹۰)، زاهدی (۱۳۹۰)، کومار (۲۰۱۰) و کیویستو (۱۳۸۳) هم‌سو و هم‌جهت است. بر اساس مباحث پیش‌گفته، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای خروج از فرهنگ فقر ارائه کرد:

ـ افزایش اعتمادبه‌نفس و خودباوری اجتماعی در فقرا؛

ـ تقویت پیوند اجتماعی فقرا و حضور آنها در شبکه‌های اقتصادی‌ـ اجتماعی؛

ـ استفاده از وام‌های زودبازده و کم‌بهره برای مدیریت امور مالی فقرا؛

ـ تغییر جهان‌بینی فقرا به فقر و فرهنگی‌شدن فقر؛

ـ خروج فقرا از طردشدگی و انزوای اجتماعی از طریق مشارکت در طرح‌های عمرانی، فرهنگی و اجتماعی؛

ـ تقویت امید اجتماعی در نسل‌های فقیر و ترسیم آینده‌نگری هدفمند برای توسعه و ترقی.

منابع

آتال، یوکش و آلس اویل (۱۳۸۸) *فقر و مشارکت در جامعهٔ مدنی*، ترجمهٔ ایرج پاد، تهران: سروش.

اخترشهر، علی (۱۳۸۵) *اسلام و توسعه*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

انوری، حسن (۱۳۸۱) *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.

بنی‌فاطمه، حسین و سعید ایرانی (۱۳۸۹) «بررسی تطبیقی میزان فقر در مناطق مختلف شهر تبریز»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره دوم، شمارهٔ ۷، ۷-۲۲.

پتریک، فیتز (۱۳۸۱) *نظریهٔ رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟* ترجمهٔ هرمز همایون‌پور، تهران: گام نو.

چمبرز، رابرت (۱۳۸۶) *توسعهٔ روستایی*، اولویت‌بخشی به فقرا، ترجمهٔ مصطفی ازکیا، تهران: دانشگاه تهران.

حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران (۱۳۹۰) *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران: فرهنگ معاصر.

رضوی، حسن (۱۳۸۲) *روستا، فقر، توسعه*، تهران: روستا و توسعه.

رهنما، مجید (۱۳۹۲) *هنگامی‌که بینوایی فقر را از صحنه بیرون می‌راند*، ترجمهٔ حمید جاودانی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۰) توسعه و نابرابری، تهران: مازیار.

ستوده، هدایت‌الـله (۱۳۸۸) *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: آریانا.

شادی‌طلب، ژاله و فرشته حجتی کرمانی (۱۳۸۶) « فقر و سرمایهٔ اجتماعی در جامعه‌روستایی»، *رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شمارهٔ ۲۸: ۳۵-۵۶.

شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۸۹) دایرةالمعارف علوم اجتماعی، جلد ۲، تهران: کیهان.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

عابدینی، مینا و همکاران (۱۳۹۳) «بازتاب نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی در دو رمان همسایه‌های احمد محمود و عمارت یعقوبیان علا اسوانی»، *ادبیات تطبیقی*، سال ششم، شمارهٔ ۱۱: ۲۲۱-۲۲۸.

غفاری، غلامرضا و محمدباقر تاج‌الدین (۱۳۸۴) «شناسایی مؤلفه محرومیت اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شمارهٔ ۱۷: ۱-۲۷.

فرهادی، مرتضی (۱۳۸۸) *انسان‌شناسی یاریگری*، تهران: ثالث.

کانبور، راوی ولین اسکوایر (۱۳۸۲) «تطور تفکر دربارهٔ فقر: کشف کنش‌های متقابل در: پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز»، ترجمهٔ غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران: نی.

کلمن، جیمز (۱۳۸۹) *بنیادهای نظریهٔ اجتماعی*، ترجمهٔ منوچهر صبوری، تهران: نی.

کوهن، بروس (۱۳۹۰) *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: توتیا.

کیویستو، پیتر (۱۳۸۳) *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ منوچهر صبوری، تهران: نی.

گیدنز، آنتونی و کارن بردسال، (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ حسن چاوشیان، تهران: نی.

محمدپور، احمد و مهدی علیزاده (۱۳۹۰) «زنان و فرهنگ فقر: مطالعهٔ کیفی فرهنگ فقر در میان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی ساری»، *دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال هشتم، شمارهٔ ۴: ۱۶۵-۱۹۷.

میری‌آشتیانی، الهام (۱۳۹۰) *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: فرهنگ.

نیازی، محسن و طاها عشایری (۱۳۹۵) *داغ فقر (فقر به‌مثابهٔ داغ اجتماعی)*، تهران: سخنوران.

وبلن، تورستاین (۱۳۸۶) طبقه تن‌آسا، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۹۱) *آناتومی رفاه اجتماعی*، تهران: جامعه و فرهنگ.

همزه‌ای، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰) «شناخت فرهنگ فقر در روستاییان هرسین»، *رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، شمارهٔ ۴۵: ۲۳۸-۲۷۳.

هنری، مارک (۱۳۸۰) *فقر، پیشرفت و توسعه*، ترجمهٔ مسعود محمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

Alkire, Sabina, Adriana Conconi and Suman Seth *(2014) Multidimensional Poverty Index 2014: Brief Methodological Note and Results, Oxford Poverty and Human Development Initiative*, University of Oxford. http://www.ophi.org.uk/wp-content/uploads/Global-MPI-2014-Brief-Methodological-Note-and-Results.pdf.

Castro, Aymin & Pual Farmer (2005) "Understanding and Addressing AIDS-Related Stigma: from Anthropological Theory to Clinical Practice in Haiti", *American Journal of Public Health*, 95: 53–59.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

Farmer,Paul E ,Bruce Nizeye,Sara Stulac,Salmaan Keshavjee (2006) "Structural Violence and Clinical Medicine" *PLoS Med* 3 (10): 449. https://doi.org/10.1371/journal.pmed.0030449.

Hagberg, Suarne (2001) *Poverty in Burkina Faso, Representations and Realities*, Cambridge: Cambridge University Press.

HutchinsonEncyclopedia (2015) Cycle of *Poverty Barteezsashlyn, tk/bike store*.

Instituto, Nacional (2009) *Poverty And Its Measurement , The Presentation Of A Range Of Methods To Obtain Measures Of Poverty*. http://www.ine.es/en/daco/daco42/sociales/pobreza_en.pdf.

King, Awku (2000) "Thinking with Bourdieu against Bourdieu: A. Practical. Critique of the Habitus", *Sociological Theory*, 18 (3): 417-433.

Kumar, Makir (2010) "Poverty and Culture of Daily Life", *Psychology Developing Societies*, 22: 331.
http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/097133361002200205

Memphis, Tailur (2010) "Putting Poverty In Political Context: A Multi-Level Analysis of Poverty, Poverty Research Center, University of Missouri, Columbia, Mo. July 21-23.

Merriam- Webster *(2013) Definition of poverty,www.merriam-webster.com. Dictionary, poverty Retrieved. https://www.merriam-webster.com/dictionary/poverty*

Moore, David (2007) *Voices of the Poor, Development, Poverty, Hegemony*. Durban: University of KwaZulu-Natal Press.

Morris, M. (1998) *Social Capital and Poverty in India, Institute of Development Studies, Community development:* the UK Department.

Otsuka, Kuram (2009) *Rural Poverty and Income Dynamics in Asia and Africa*, New York: Routledge.

United Nations (2010) *Report on the World Social Situation: Rethinking Poverty, Department of Economic and Social Affairs*, New York: United Nations.

Sabates, Ruin (2008) *The Impact of Lifelong Learning on Poverty Reduction*, UK: Scotland.

Sartorius. N. (2004) Report of the Workshop on Health Related Stigma and Discrimination. The Royal Tropical Institute, 29 Nov–2 Dec 2004, http://www.dgroups.org/groups/Stigmaconsortium

World Bank (2011) *Measuring Inequality*, http://scholar.google.com

World Peace Day Address (2009) The Vatican, 1 January 2009, Retrieved 21 June, www.peacedirect.org

Zekeri, Almier (2003) *The Causes of Enduring Poverty in Alabama. Black Belt*, Rural. Department of Psychology and Sociology, Tuskegee University Tuskegee.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1396.8.1.7.5]